

---

## A survey on the disclosure of Islamic-Iranian Lifestyle in the Architecture of Residential Complexes (Case study: Living rooms and guest rooms in residential complexes in Tabriz)

---

\*Pirasteh Naeimi Taraei

Master of Islamic architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

(Received 16 Apr 2021, Accepted 2 Aug 2021)

Encompassing the social and cultural variations, lifestyle is of great significance in the daily lives of residents in the field of architecture and housing; since it involves the interactive relationship of individuals' actions with the semantic system and objective structures. In other words, the thought and behavioral patterns of individuals and social groups, which are the main elements of values and value systems, in coexistence to meet needs, lead to the development of lifestyles in different social groups; architecture, on the other hand, acts as a medium and diverts people's habitus and actions. The concept of residence in the Iranian Islamic culture, as settling in a place to gain peace with the family and find individual and collective self by communicating with God and surrounding nature, is based on selecting a way to achieve excellence and avoid degradation. Thus, architecture and lifestyle are formed in interaction with each other. The present study examines the components and characteristics of lifestyle and its practical implementation in the public living space using a qualitative method and inductive approach to form a conceptual framework of how to represent the Iranian Islamic lifestyle in architecture, based on the theories of Islamic thinkers. In addition, Bourdieu's theory has been considered as a research model aided by the theory of Grounded theory. Consequently, the lifestyle of thirty families living in newly built residential complexes in the city of Tabriz, in the living room and catering section has been surveyed by a questionnaire, interview, and observation. The results indicate a complete mismatch of the living room and reception design with the lifestyle of residents and also the inefficiency of design or inflexibility and adaptation of

equipment and space designs to the needs of individuals due to lack of in-depth study of values in the social and cultural context. While the lifestyle of the residents is relatively in accordance with Iranian Islamic values in the field of education of family members, body management, gender stereotypes, consumption patterns and promotion of religious life patterns, human relationship with God, with others, with oneself and with nature. However, popular beliefs have also created problems such as luxury, which is not in line with Islamic values such as moderation and having harmony with the general conditions and has also affected tastes. There are obstacles in the formation of neighborhood institutions-organizations and relations, but architecture has not created a basis for solving these obstacles in the dimensions of worship, social, moral, beliefs, finance, thinking and science, chronology, family, health, but the individuals have either subconsciously adapted to the current situation or tried to overcome these obstacles by making internal changes. Therefore, it should be considered that Islamic values are the main components of meeting the resident needs, and this development by the cultural class and by transferring awareness, as a media of architectural art, can provide the right to choose by creating a desirable option. In this context, people's interests and tendencies are directed towards Islamic values and culture, and individuals become aware of their beliefs.

**Keywords:** Grounded theory, Iranian Islamic Lifestyle, Living and Reception rooms, Residential Complexes.

---

\* Corresponding author. E-mail: p.naeimi@yahoo



## تحلیلی بر بازنمود سبک زندگی اسلامی - ایرانی در معماری مجتمع‌های مسکونی

(مورد مطالعه: نشیمن و پذیرایی در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز)

پیراسته نعیمی طرئی\*

کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹)

### چکیده

سبک زندگی با دربرگرفتن تحولات اجتماعی و فرهنگی، اهمیت شایانی در زندگی روزمره ساکنان در عرصه معماری و مسکن دارد. مفهوم سکونت در فرهنگ اسلامی ایرانی به مثابه مکانی برای کسب آرامش - در کنار خانواده و یافتن خود فردی و جمعی با حصول ارتباط با خداوند و در زمینه طبیعت - بر اساس گزینش و انتخاب طریق جهت نیل به تعالی و اجتناب از تنزل است. مطالعه حاضر، با روش کیفی و رویکرد استقرایی انجام گرفته و جهت شکل‌دهی چارچوب مفهومی چگونگی بازنمود سبک زندگی اسلامی ایرانی در معماری، از نظریات اندیشمندان اسلامی استفاده شده و نظریه بوردیو به عنوان مدل تحقیق در نظر گرفته شده و در این راستا از نظریه مفهوم‌سازی داده بنیاد بهره گرفته شده است. بدین منظور، سبک زندگی تعداد سی خانوار ساکن در مجتمع‌های نوساز مسکونی در شهر تبریز، در بخش نشیمن و پذیرایی، توسط پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده، موردبررسی قرار داده شده است. یافته‌های تحقیق گویای عدم تطابق کامل طراحی نشیمن و پذیرایی با سبک زندگی ساکنان است و ناکارآمدی طراحی یا عدم انعطاف‌پذیری و تطابق تجهیز و طراحی فضا با نیاز افراد را سبب شده که به دلیل فقدان بررسی عمیق ارزش‌ها در بستر اجتماعی و فرهنگی این اتفاق صورت گرفته است. در صورتی که سبک زندگی ساکنان، نسبتاً مطابق با ارزش‌های اسلامی ایرانی در موارد تعلیم و تربیت اعضای خانواده در راستای الگوهای دینی، مدیریت بدن، کلیشه‌های جنسیتی است. اگرچه باورهای رایج، مشکلاتی چون تجمل‌گرایی را نیز ایجاد کرده است؛ و در رابطه با شکل‌گیری نهادها و تشکلهای روابط همسایگی موانعی وجود دارد، ولی معماری نیز بستر حل این موانع را ایجاد نکرده است و افراد به صورت ناخودآگاه، یا با شرایط موجود کنار آمده‌اند و یا با ایجاد تغییرات داخلی سعی در برطرف نمودن آن کرده‌اند.

### واژگان کلیدی

نظریه داده بنیاد، سبک زندگی اسلامی ایرانی، نشیمن و پذیرایی، مجتمع‌های مسکونی.

\*این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد خانم پیراسته نعیمی طرئی با عنوان «بررسی ویژگی‌های سکونت در مجتمع‌های مسکونی معاصر در مقایسه با سبک زندگی اسلامی ایرانی» به راهنمایی آقای دکتر محمدتقی پیربابایی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز است.

## مقدمه

را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در بُعد کلان به وجود آورندهٔ معضلات اجتماعی بسیاری است. مواردی چون چند فرهنگی شدن شهرها و تغییر سبک زندگی و مناسبات اجتماعی (ازجمله تغییر سطح اعتماد اجتماعی، زوال همسایگی و کاهش نقش مذهب، مدت زندگی در خانه، فاصله‌های اجتماعی ایجادشده، بی‌تفاوتی مدنی، تغییر نقش‌های خانوادگی) و... که فاضلی (Fazeli 2013) به‌عنوان چرخش فرهنگی در گفتمان شهری مطرح کرده است، گویای این مطلب است که مجتمع‌های مسکونی نمی‌توانند با چارچوب گذشته جوابگوی نیازهای ساکنان باشند و برداشت از الگوهای غربی نیز نمی‌تواند الگوی مناسبی برای برآورده کردن احتیاجات انسان با بستر فرهنگ اسلامی ایرانی باشد.

هدف این پژوهش، تبیین نسبت میان سبک زندگی اسلامی ایرانی و معماری مسکن است و نیاز به مطالعه میان‌رشته‌ای دارد. در این زمینه، این سؤال مطرح می‌شود که بازنمود سبک زندگی اسلامی ایرانی در معماری مجتمع‌های مسکونی چگونه است؟ بدین سبب، تعاملات انسان و سبک زندگی وی با مسکن -که محل آرامش روح و سکون و استقرار او است- به‌عنوان رهیافت این پژوهش، جهت نیل به نیازهای افراد در محیط زندگی و نقاط ضعف و قوت هر فضا مدنظر است.

در یک واحد مجتمع مسکونی سه عرصه، قابل‌شناسایی است: «عرصهٔ خصوصی» که فضای خلوت برای اعضای خانواده را فراهم می‌سازد و شامل اتاق‌های خواب است؛ «عرصهٔ خدماتی» که در جهت خدمات‌رسانی به عرصهٔ خصوصی و عمومی خانه کمک‌رسانی می‌کند و شامل ورودی، آشپزخانه، حمام، سرویس بهداشتی، تراس یا بالکن و پاسیو است و «عرصهٔ عمومی» که در جهت پیوند اعضای خانواده و دیگران تعبیه‌شده و نشیمن، پذیرایی و بعضاً نهارخوری را در برمی‌گیرد. با توجه به گستردگی موضوع، پژوهش حاضر، عرصهٔ عمومی -فضاهای نشیمن و پذیرایی و نهارخوری تعبیه‌شده در بخش عمومی- در

سبک زندگی از دیدگاه‌های مختلف، موردتوجه و مطالعهٔ اندیشمندان قرار گرفته است. تعاریف متفاوت اندیشمندان از مفهوم سبک زندگی، مواردی را شامل می‌شود که در ظرف تاریخ، فرهنگ و جغرافیای انسانی بسته به نیاز افراد تغییراتی را پذیرفته است و این بستر، بالطبع کنش‌های افراد را نیز تحت تأثیر قرار داده است. درک کلی مباحث مطرح‌شده در باب سبک زندگی، رابطهٔ تعاملی کنش افراد با نظام معنایی و ساخت‌های مادی را نشان می‌دهد که سبب می‌شود الگوهای فکری و رفتاری افراد و گروه‌های اجتماعی -که سازندهٔ ارزش‌ها و نظام ارزشی است- در هم‌نشینی با یکدیگر برای رفع نیازها، منجر به ایجاد سبک زندگی در گروه‌های مختلف اجتماعی شود؛ و این بدین معنا است که در تعامل معماری و سبک زندگی، پیوند بُعد مادی و معنایی تا چه میزان می‌تواند حائز اهمیت باشد.

مسکن و فضای زندگی آدمی کالبدی است که نشانی از خود فردی و جمعی وی را منعکس می‌سازد. این امر در مورد همهٔ جوامع، ازجمله جامعهٔ ایران، صادق است (Shasti and Flamaki 2014, 117). بدین سبب انتظار می‌رود کسانی که به بینش دینی و مفاهیم ارزش‌های اسلامی ایرانی پای‌بند هستند، به‌تدریج و به‌صورت عینی و در متن زندگی از الگوهای مختص به آن بهره‌گیرند و این آموزه‌ها در بستری مناسب جهت زندگی سعادتمندانه تجلی یابد.

این در حالی است که سکونت‌گاه‌های امروزی بدون تناسب با فرهنگ و سبک زندگی اسلامی ایرانی و در بهترین حالت، با اکتفا به نیازهای فیزیکی افراد، طراحی می‌شوند و روش زندگی‌ای بی‌تناسب با روحیات انسان به او تحمیل می‌شود و به‌مرور زمان بر خواسته‌های او نیز سایه می‌افکند، به‌طوری‌که دیگر دغدغهٔ تعالی روح را نیز فراموش می‌کند. «بحران کمیت‌گرایی» مقوله‌ای است که گریبان‌گیر مطالعات نظری در زمینهٔ معماری می‌شود و کمتر به خصوصیات کیفی فضا توجه می‌شود و بی‌توجهی به آن موضوعی عادی در بطن زندگی همهٔ افراد است. در صورتی‌که به‌صورت ناخودآگاه آرامش و آسایش شخص

مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز را مورد بررسی قرار داده است.

### ۱. پیشینه پژوهش

معظمی و حجت (Moazemi and Hojjat, 2017) در «ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران» به مشکلات فرهنگی در معماری اشاره کرده‌اند که مطالبشان گویای آن است که معماری ما پیوند خود را با گذشته ازدست‌داده است و حیثیت تاریخی و فرهنگی خود را واگذاشته، درحالی‌که چیزی را جایگزین آن نکرده است، در تعامل با الگوها و نسخه‌های غرب، پیروی از سبک‌ها و گرایش‌های جهانی را در پی داشته و در گرداب سلیقه‌های شخصی و رقابت‌های بازاری گرفتار آمده است. قره‌بیگللو و روحی‌فر (Gharehbaglou and Roohifar, 2018) این جدایی آشکار ذهنیت ساکنان و کالبد بناها را، موجب تنزل کیفیت در محیط‌های مسکونی می‌دانند. این پژوهش، توجه به ابعاد ذهنی و عینی را در خصوص سبک زندگی یادآور می‌شود.

به گفته مهدوی کنی (Mahdavi Kani 2008) دین می‌تواند در ایجاد عادت‌واره‌ها، سلیقه و زیبایی‌شناسی و در نتیجه، سبک‌های زندگی نقش ایفا کند و جدای از سبک‌های زندگی به‌خصوص دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل باشد. سبک زندگی در این علم، تجویزی و متکی بر آگاهی، گزینشگری و خلاقیت فرد همراه با پذیرش تأثیر محیط فیزیکی و اجتماعی به‌عنوان بستر بروز است (Jabaran 2015)، که تأثیر و تأثر «مسکن»، «انسان و روابط اجتماعی او» و «سبک زندگی دینی» را مطرح می‌کند. ثمین شریفی میاوقی و همکاران (Samin Sharifi, Miyaveghi et al. 2020) در «ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی معماری مسکن مطلوب بر اساس نظام معرفتی اسلام» به این موضوع اشاره می‌کند که مکتب اسلام نسخه‌ای برای سعادت بشر ارائه می‌دهد که در همه زمان‌ها و مکان‌ها، جامع، مانع و کامل به نظر می‌رسد و در پاسخگویی به نیاز انسان در شرایط گوناگون کارساز است. این نظام، انسان را از موارد غیرضروری و تجربیاتی که ارزش آزمودن ندارد،

بازداشته و هدف آن، ساخت انسانی دینی است. ناری قمی (Nari Ghomi 2014) آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی-فرهنگی آن را در زندگی خانوادگی قشر مذهبی در شهر قم بررسی می‌کند و با مطالعه تاریخی آشپزخانه، سیر تحول آن را مورد توجه قرار داده و بحث را با رویکرد کیفی و تحلیل تطبیقی پاسخ‌ها در مصاحبه‌های عمیق، جهت یافتن مفاهیم فرهنگی در زندگی معاصر در قیاس با زندگی پیشین، مورد مطالعه قرار داده است و نتایج تحقیق گویای اهمیت بازبینی نحوه طراحی آشپزخانه به دلیل برآورده نشدن نیازهای ساکنان است. به علاوه، سبک زندگی اسلامی و ایرانی مباحثی جدا از یکدیگر نیستند و پیوند و درهم‌آمیختگی آن در طول تاریخ سبب حفظ بسیاری از ارزش‌ها در زندگی فردی، بستر خانواده و در جامعه شده است. زیرا موجودیت کم‌وبیش هر یک از آن‌ها در زندگی امروز نشانگر این پیوند مانا در بطن زندگی ایرانیان است. مطالعات سبک زندگی اسلامی ایرانی، علی‌رغم نظریات تدوین‌یافته‌اش و باوجود عمق و عرض فرهنگ غنی، آن‌چنان‌که باید بر ذهن و عمل تأثیرگذار نبوده است. خداوند متعال با در دسترس قرار دادن قرآن، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی برای سیر سلوک، راهی تا بی‌نهایت برای افراد فراهم ساخته است. در فرهنگ ایرانی سالکانی در این مسیر، راه پارسایی پی گرفتند و این منش را برای زندگی خویش انتخاب کردند و امروز، آنچه افراد در ضمیر ناخودآگاه خود از سبک زندگی خویش جستجو می‌کنند، نه از حکمت یونان و رم و نه از تمدن غرب به دست می‌آید. حقیقتی که جامعه ایرانی در جستجوی آن هستند، از آن‌ها دور نیست و هست. زیرا ایران در پیوند با اسلام، فرصت این سلوک را در ساخت فرهنگ و در ذهنیت تاریخی خویش داشته است و تنها مانند کتابی که در کتابخانه خاک خورده هر خانه یافت می‌شود، نیاز به بازنگری دارد. علی‌رغم کارهای انجام‌گرفته در باب سبک زندگی، موردی که در بستر مسکن، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سبک زندگی و نحوه عملی به اجرا آمدن آن را در حوزه عمومی نشیمن و پذیرایی بررسی کند، انجام نگرفته است و پژوهش حاضر

به منظور تکمیل مطالعات فوق و کاربردی کردن آن انجام شده است.

## ۲. چارچوب نظری

«سبک زندگی» از مفاهیم بسیار مهم علوم اجتماعی است که اغلب، برای بیان «روش زندگی مردم» به کار می‌رود و منعکس‌کننده طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است. می‌توان گفت سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد که افراد به طور روزمره آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می‌گیرند (Niazi 2011,130). به گفته علامه طباطبایی فرهنگ، همان آفریده‌های ثانوی انسان است که با آن‌ها زندگی می‌کند و از طریق آن‌ها نیازهای خود را برآورده می‌سازد (Tabatabai 1983, 224). در نظر ایشان اگر به ازای مفاهیم موجود در ذهن، وجودی در خارج باشد، آن مفهوم را حقیقی و در غیر این صورت، اعتباری می‌نامند (Pirbabaei et al. 2020, 109 Quted by Tabatabai 1992). وی انسان را دارای دو وجه می‌داند که بُعد طبیعی و اعتباری است. در بُعد اعتباری، با تولد یافتن، به ناگزیر، رنگ محیط و شرایط و تربیت و خصوصیات احساسی، ادراکی، رفتاری خاصی به خود می‌گیرد. این وجه باتربیت در یک فرهنگ خاص آغاز می‌شود (Mosleh 2014, 34-35). گرچه معانی اعتباری ثابت هستند، اما مصادیق آن‌ها با تغییر نیازها، زمان‌ها، فرهنگ‌ها و محیط جغرافیایی تغییر

می‌کنند (Tabatabai 2008, 141-142). در هم تنیدگی ساخت و عامل مبتنی بر دوسویگی ساخت در چنین دیدگاهی نقش اساسی دارد، زیرا پیش‌فرض پذیرش اعتباریات، پذیرش اراده است و انسان به عنوان کنشگر، این دسته از مفاهیم را در هنگام عمل یا کنش ارادی می‌سازد (Gharehbaglou et al. 2018, 104 Quted by Hasani and Mousavi 1992). با توجه به اینکه مفهوم سبک زندگی در جوامع مختلف و در شهرها و مناطق مختلف متغیر است، نمی‌توان کلیه مفاهیم عنوان شده توسط نظریه پردازان در این زمینه را برای هر جامعه و نمونه آماری تعمیم داد. با توجه به این موضوع، از نظریات بوردیو که جامع‌ترین و نزدیک‌ترین پیش را در دربرگیرندگی سبک زندگی اسلامی ایرانی دارد، جهت اخذ مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سبک زندگی، بهره گرفته شده است. دیدگاه‌های مرتبط با سبک زندگی اسلامی در ایران نیز مباحثی را در اختیار می‌گذارد که می‌تواند مکمل تدوین شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها در این رابطه باشد.

بوردیو شبکه‌ای از مفاهیم را به کار می‌گیرد که نمی‌توان برای آن‌ها تقدم و تأخری قائل شد. هفت مفهوم اصلی که به فهم ایده‌های بوردیو درباره سبک زندگی کمک می‌کند به قرار زیر است: «میدان، سرمایه، منش یا عادت‌پذیری، عمل، نماد، طبقه و قریحه» (Fazeli 2013,36) که در جدول ۱ به آن‌ها پرداخته شده است:

جدول ۱: مفاهیم نظری بوردیو در مدل سبک زندگی

Table1: Bourdieu's theoretical concepts of the lifestyle model

مفاهیم نظری	تعاریف بوردیو از مفاهیم نظری در مدل سبک زندگی
منش یا عادتواره (حوزه ذهنی)	بوردیو منش را یک نظام آمادگی‌های پایدار می‌داند، یک ساختار ساخته شده و ساخت دهنده. به عبارت دیگر مجموعه منسجم از عادت‌ها، نشانه‌گری‌های بدنی که فرد را از گرت‌برداری ناآگاهانه درونی کردن شکل می‌دهد، به گونه‌ای که مخصوص یک محیط باشد (Hinick 2005, 76). بنابراین عادتواره هم با وضعیت بودن ساخته شده و هم مولد کنش‌ها، باورها، تمایلات و احساسات در تطابق با ساختار حاکم بر خود است (Grenfell 2019,106). چیزی است که شخص کسب کرده و به طور ماندگار و دائمی به صورت تمایلات دائمی او درآمده است (Grenfell 2019,113).
عمل یا کنش	مفهومی که مستقیماً بر مبنای نظر بوردیو درباره منش ارائه می‌شود، عمل است... عمل، نوع عادت شده رفتار است

که چندین جزء دارد: ۱- شکل فعالیت‌های بدنی ۲- شکل فعالیت‌های ذهنی ۳- چیزها و کاربردها ۴- دانش پیش‌زمینه‌ای در قالب شناختی ۵- راهکار ۶- حالت عاطفی و آگاهی انگیزشی... فرد بر اساس ملزومات عمل کنش می‌کند و حامل الگوهای مختلفی از رفتار بدنی، آگاهی و شناخت است (Fazeli 2013,41).	
بورديو معتقد است برای درک تعامل بین مردم، یا برای تبیین واقعه یا پدیده‌ای اجتماعی... لازم است فضای اجتماعی را که تعامل، تبادل و اتفاقات در آن رخ داده، بررسی کنیم (Grenfell 2019,126). میدان ... بلکه به‌عنوان ابزاری برای تبدیل مشکلات عملی به عینی و تجربی به کار می‌آید (Grenfell 2019,145).	میدان (حوزه عینی)
بورديو ... به انواع سرمایه‌ها اشاره می‌کند. سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی که هر کدام قابلیت دارند تا به دیگری تبدیل شوند. سرمایه اقتصادی شامل درآمد و بقیه انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند. سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند اما گرایش به اشیاء فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را سرمایه فرهنگی می‌خواند. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن، ارزش‌گذاری یا سبک ساختن در میدان فرهنگ است (Fazeli 2013,37). سرمایه اجتماعی شامل همه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران به دست آید. حجم و ترکیب سرمایه‌ها جایگاه میدان را نزد فرد تعیین می‌کند. سه منبع سرمایه فرهنگی یعنی خانواده، آموزش و فرهنگ شغلی از عواملی هستند که تأثیر آن‌ها بر سبک زندگی قابل مطالعه است (Fazeli 2013,39).	سرمایه و انواع آن: سرمایه اقتصادی سرمایه فرهنگی سرمایه اجتماعی سرمایه نمادین
در تبیین طبقه، ... اعضای هر طبقه در هر میدان، جایگاهی مخصوص به خود دارند که بر اساس ترکیب انواع سرمایه تعیین شده است (Fazeli 2013,41).	طبقه
بورديو شیوه‌های مختلف تملک سرمایه در درون هر طبقه را موجد ذوق و قریحه متفاوتی می‌داند. قریحه به این معنا است که گروهی از اشیاء یا اعمال را به‌صورت مادی و نمادین و به معنای مجموعه‌ای از ترجیحات متمایزکننده به‌کارگیریم (Fazeli, 2013,41-42). بورديو نشان داد که نشانه‌ها، سبک‌ها، سلیقه‌ها و عادت‌ها بر روی یک محور منابع اقتصادی صرف، قابل تحصیل نیستند. بلکه مجموعه‌ای از سرمایه‌های سمبلیک فرهنگی افراد در کنار سرمایه اقتصادی ایفای نقش می‌کنند (Hinick, 2005, 74).	قریحه

بر اساس آنچه مرور شد، می‌توان مدعی شد که در وجه اعتباری انسان، بر مبنای فرهنگ حاکم بر جامعه، ارزش‌های خاصی نیز بارز خواهند شد که آن ارزش‌ها، هرچند اعتباری و ویژه آن جامعه خاص است، اما در روند توسعه آن جامعه، نقش حیاتی خواهند داشت. نتیجه آنکه، بعد طبیعی انسان، محرک بعد اعتباری او خواهد بود و بنابراین، آدمی بر مبنای وجه طبیعی خود و نیازهای اولیه، دارای احساساتی چون خواستن، نخواستن، دوست داشتن، دوست‌نداشتن و ... می‌شود. مبنای فعلی‌ای که بر اساس یک سلسله ارزش‌های حاکم بر افکار و ادراکات انسان (اعتباریات)، جهت‌گیری‌ها برای تأمین وجه طبیعی او را تضمین خواهند کرد (Pirbabaie et al. 2019, 312-313). از این منظر، دین را می‌توان مرتبط با عقیده و متمایز از ارزش دانست؛ زیرا منظور از باور و عقیده، موضوعی است که انسان به آن علم حقیقی پیدا می‌کند (عقلایی یا غیر عقلایی) و مراد ارزش،

معیاری است که باید‌ها و نبایدها را در تصمیم‌های انسان مشخص می‌سازد. بنابراین، باور امری حقیقی است که مبنای ایجاد ارزش (که امری اعتباری است) قرار می‌گیرد. ارزش نیز متمایز از نظام ارزش است، زیرا ارزش تنها به محتوا می‌پردازد و نه ارتباطات و اولویت‌ها و از این منظر است که مفهوم نظام ارزش‌ها برای تحلیل اعمال انسان در محیط ساخته‌شده، اهمیت می‌یابد (Gharehbaglou et al. 2018, 104). این موضوع در جهت‌گیری نظام ارزشی جامعه در شکل‌دهی به سبک زندگی اسلامی در کنار مفهومی که بورديو تحت عنوان دوگزا<sup>۱</sup> یا باور رایج عنوان می‌دارد، قابلیت بررسی دارد.

باور رایج، مجموعه‌ای از باورهای بنیادین است که نیازی به تصریح آن‌ها در قالب گزاره‌هایی روشن و آگاهانه نیست (Grenfell 2019,189). هر کنش مؤثر- که به‌گونه‌ای گفتمانی و علمی شکل گرفته باشد- علیه مفروضات و

تمایلات باورهای حاکم، به توانایی شناسایی عناصر پنهان در روابط اجتماعی، ساختارها و دسته‌بندی‌های بی‌چون و چرای باور پذیرفته‌شده<sup>۲</sup> بستگی دارد. عاملان اجتماعی باید در جهت تعمیم، فراگیر کردن و دموکراتیزه کردن شرایط فرهنگی - اقتصادی دسترسی به دانش علمی هدایت شوند تا از این طریق دسترسی به امر عام که تنها روش مؤثر تزلزل پایه‌های باور رایج است، فراگیر و همگانی شود (Grenfell 2019, 202-203). در نتیجه، کنش افراد که در تعامل با عامل (عادتواره) و ساخت (میدان) است، در بازتولید یکدیگر مؤثر هستند و این کنش‌ها بسته به نیاز افراد در بعد فردی، در بستر ارزش‌ها و در بعد اجتماعی با توجه به نظام ارزشی حاکم و در ظرفی از محدودیت‌ها و امکانات، بستر پدیداری مکان را فراهم می‌سازد و از کنار هم قرار گرفتن گروه‌های اجتماعی، سبک زندگی شکل می‌گیرد. به دلیل بازتولید عادتواره، میدان و کنش، مصادیق ارزش‌ها و نظام ارزشی نیز بسته به نیاز، بازتولید می‌شود. نظام ارزشی می‌تواند ریشه در باورهای داشته باشد که از فرهنگ ایرانی در حافظه عامه شکل گرفته باشد، اما بعد دیگر آن، باورهای رایج است که چه از حافظه تاریخی گذشته ناشی شده باشد و چه از تغییر و تحولات

معاصر نشأت گرفته باشد، گاه با ابعاد منفی در جامعه رخ می‌نماید. از این رو نظام ارزشی به‌تنهایی نمی‌تواند به‌عنوان مسیری کاملاً راهگشا برای سبک زندگی افراد در نظر گرفته شود. زیرا قدرت سرمایه‌ها گاه این نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد و افراد را در انتخاب مسیر دچار ابهام می‌کند. مبدأ ارزش‌ها در اسلام، خداوند است... و با او همه چیز کوتاه است و بی او همه چیز عظیم و شکوهمند. شرط رهیدن از ارزش‌های وهمی، نظر دوختن به حقیقتی است و رای وهم، یعنی خداوند (Soroush 2014, 132). سبک زندگی که اسلام ارائه می‌کند، طرح مهندسی ویژه‌ای را برای کاربرد در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌کند (Gholizadeh and Saboktakin Rizi 2016, 84). ابعاد و عوامل سبک زندگی اسلامی، از نظر کاویانی عبارت است از بعد عبادی، بعد اجتماعی، بعد اخلاقی، بعد باورها، بعد مالی، بعد تفکر و علم، بعد امنیتی - که در رابطه با معماری در مقیاس موردبررسی در این پژوهش مصداق ندارد - بعد زمان‌شناسی، بعد خانوادگی و بعد سلامتی (Kaviani 2012, 20). با توجه به ابعاد سبک زندگی اسلامی، شاخصه‌های آن در نظریات اندیشمندان اسلامی در جدول ۲ عنوان شده است:

جدول ۲: شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ایرانی  
Table 2: Characteristics of Iranian Islamic lifestyle from the perspective of Iranian Islamic thinkers

ابعاد سبک زندگی اسلامی	شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی
عبادی	۱- ارتباط با خدا: آدمی در اثر قرب به خدا، صفات الهی را بهتر متجلی و منعکس می‌کند (Soroush 2014, 312). ۲- اعتدال و میانه‌روی: پیمودن و گزینش راه میانه و عدم تمایل به افراط و تفریط شامل اعتدال در امور فردی (عبادت، گفتار، رفتار، ...) (Davaei and Hatem 2017).
اجتماعی	۱- ارتباط با دیگران: اسلام برای دستیابی... به «امت»... و برای ایجاد جامعه‌ای دارای هماهنگی و روحیه تعاون، فرد مسلمان را ملزم می‌کند تا با دیگر اعضای جامعه خود روابطی گرم و قوی برقرار سازد. هدف دیگر، حمایت فرد در مقابل عواقب روحی و روانی انزوا گرایی است (Morteza 2008, 67). اسلام همسایه‌داری را به مثابه ستون فقرات می‌داند و اخلاق همسایه‌داری را در دو اصل مهم می‌توان یافت: الف) روابط مستحکم همسایگی، ب) حفظ حقوق همسایگان (Morteza 2008, 5). ۲- کلیشه‌های جنسیتی: رابطه مرد و زن بر اساس مکمل بودن، افزایش رزق و روزی، آرامش، تکمیل شدن دین (Seidi and Byrqa 2012, 30-31). بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتارهای خاص و حالات روانی خاص هستند، در نهایت قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به‌صورت معمول با یکدیگر

	<p>متفاوت‌اند (Ezazi 2001, 45). ۳- مصرف کالاهای فرهنگی: کالاهایی ... که دارای ویژگی‌های زیر باشند: مولد یا حاصل اندیشه هستند، زبان یا بیانی نمادین دارند، نتیجه خلاقیت یا آفرینش فکری یا حسی فرد یا گروهی از افراد است که هدف اصلی آن انتقال معنا است، علاوه بر ارزش اقتصادی، ارزش فرهنگی دارند... غالباً پایدار هستند و مدت ماندگاری آن‌ها بستگی به سطح غنای اندیشه‌ای دارد که حاصل آن هستند (Seidi and Byrqq 2012, 29). پرهیز از تظاهر و فروتنی و تعمق و تدبیر بیشتر در دین و توانایی تأثیرگذاری در تعاملات (Seidi and Byrqq 2012, 30-31). ۴- نهادهای و تشکلهای: در حیطه همبستگی اجتماعی، برابری و برادری، اسلام حد آزادی فردی که با نظام اجتماعی سازگار است را فراهم می‌آورد، مادامی‌که هر دو به ثبات و پیشرفت جامعه منجر شوند، کل زندگی فردی و اجتماعی بشر در اصل تمرینی برای پیشرفت و تقویت رابطه با خداوند است. ایمان و اعتقاد نقطه عطف و شروع این رابطه است و اقدامات فرد مسلمان باید نشان‌دهنده این ایمان باشد (Salehi 2011,25).</p>
اخلاقی	<p>۱- امریه معروف و نهی از منکر: برای رسیدن انسان‌ها به تعالی و تقویت ارزش‌های اسلامی (Davaei and Hatem 2017). ۲- نقش رسانه در ترویج الگوهای زندگی دینی: تثبیت فرهنگ خودی برای جلوگیری از آثار منفی ورود فرهنگ بیگانه- برنامه‌ریزی فرهنگی و دینی برای رسیدن به ارزش‌ها و اهداف و ژرفا بخشیدن به اندیشه انسان‌ها در نظام معنایی توحیدی و تعهد به آموزه‌های دین برای گزینش الگوهای سبک زندگی دینی (Davaei and Hatem 2017).</p>
باورها	<p>ارتباط انسان با خویشتن: آگاهی و بصیرت از موضع خود در برابر هوی و هوس، رهایی از اسارت دنیا به پاداش قرب الهی، زداییدن تفرق خاطر ... و بازنگری در غذا خوردن، لباس پوشیدن، سخن گفتن، روابط دوستانه، شغل و غیره (Soroush 2014,66). ۲- ارتباط با دیگران: اسلام، تعهد به تشکیل امت که لازمه آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (خانواده، اهل محل یا همسایگی) است را تقویت می‌کند که این تعهد سبب می‌شود نوعی احساس وفاداری، همبستگی و انسجام در جامعه‌ای که بر اسلام پایدار باشد، ایجاد شود (Salehi 2011,17).</p>
مالی	<p>۱-الگوی مصرف: مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی به‌عنوان نیازهای کاذب انسان. جلوگیری از اسراف و تبذیر و برآوردن نیاز به اندازه نیاز انسان-آموزش درست مصرف کردن برای مبارزه با اسراف و فخرفروشی- جلوگیری از عادت‌ها، سنت‌ها و روش‌های غلط در مصرف- زهد و قناعت- توجه به نیازهای حقیقی - میانه‌روی برای جلوگیری از تنگ‌دستی و فشار روحی به جامعه. ۲- پرهیز از تجمل‌گرایی و هماهنگی با شرایط عمومی جامعه: بازماندن از تولید و پیشرفت اقتصادی- جلوگیری از مدگرایی و مدپرستی که فرهنگ نیست (Davaei and Hatem 2017).</p>
تفکر و علم	<p>۱-تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت: دانش و هر چه از قبیل اندوخته‌های روانی آدمی را به حال خود وانمی‌گذارد یا به او حیات ابدی می‌بخشد یا هلاک ابدی- تکیه بر احوال شخص در معارف دینی است و نه بر علم خاصی؛ زیرا از ممزوج شدن علم با اوصاف و احوال، نفع یا ضرر ظاهر می‌شود (Soroush 2014,80). ۲-ارتباط انسان با طبیعت: این دنیا درودیوارش درس است و تمام سرزمینش برای زراعت آماده است. امکان ندارد که کسی به یقین بداند و بفهمد که این دنیا مسافرخانه و مزرعه است و با دل‌بستگی و... زندگی کند و این موقت دانستن زندگی در یکایک تصمیمات ما تأثیر دارد (Soroush 2014,123).</p>
زمان‌شناسی	<p>۱-شیوه گذران اوقات فراغت: فرصتی همراه با سلامتی و به‌دوراز گناه، خواسته‌های شیطانی در مسیر رشد و شکوفایی و کسب رضایت و قرب الهی. مقبوح بودن بی‌برنامگی و بیکاری و مباح شمرده شدن استراحت دادن جسم و تفریح و ورزش و مستحب بودن فعالیت‌های هدفمند و برنامه‌دار (Davaei and Hatem 2017).</p>
خانوادگی	<p>۱-سبک زندگی اسلامی در خانه: خانواده به‌عنوان هسته اصلی اجتماع که کانون حفظ سنن ملی و مرکز رشد احساسات و عواطف است، بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی (Davaei and Hatem 2017).</p>
سلامتی	<p>۱-مدیریت بدن: خدامحوری و استفاده از بدن به‌عنوان وسیله‌ای در جهت پیمودن کمال الهی و تقرب الی الله (Davaei and Hatem 2017). اسلام «تن‌پروری» به معنی «نفس‌پروری» و شهوت‌پرستی را شدیداً محکوم کرده است، اما پرورش بدن را به معنی مراقبت و حفظ سلامت و بهداشت، از واجبات شمرده است و هر نوع عملی را که برای بدن زیان‌بخش باشد حرام شمرده است (Motahari 1994, 29-30).</p>



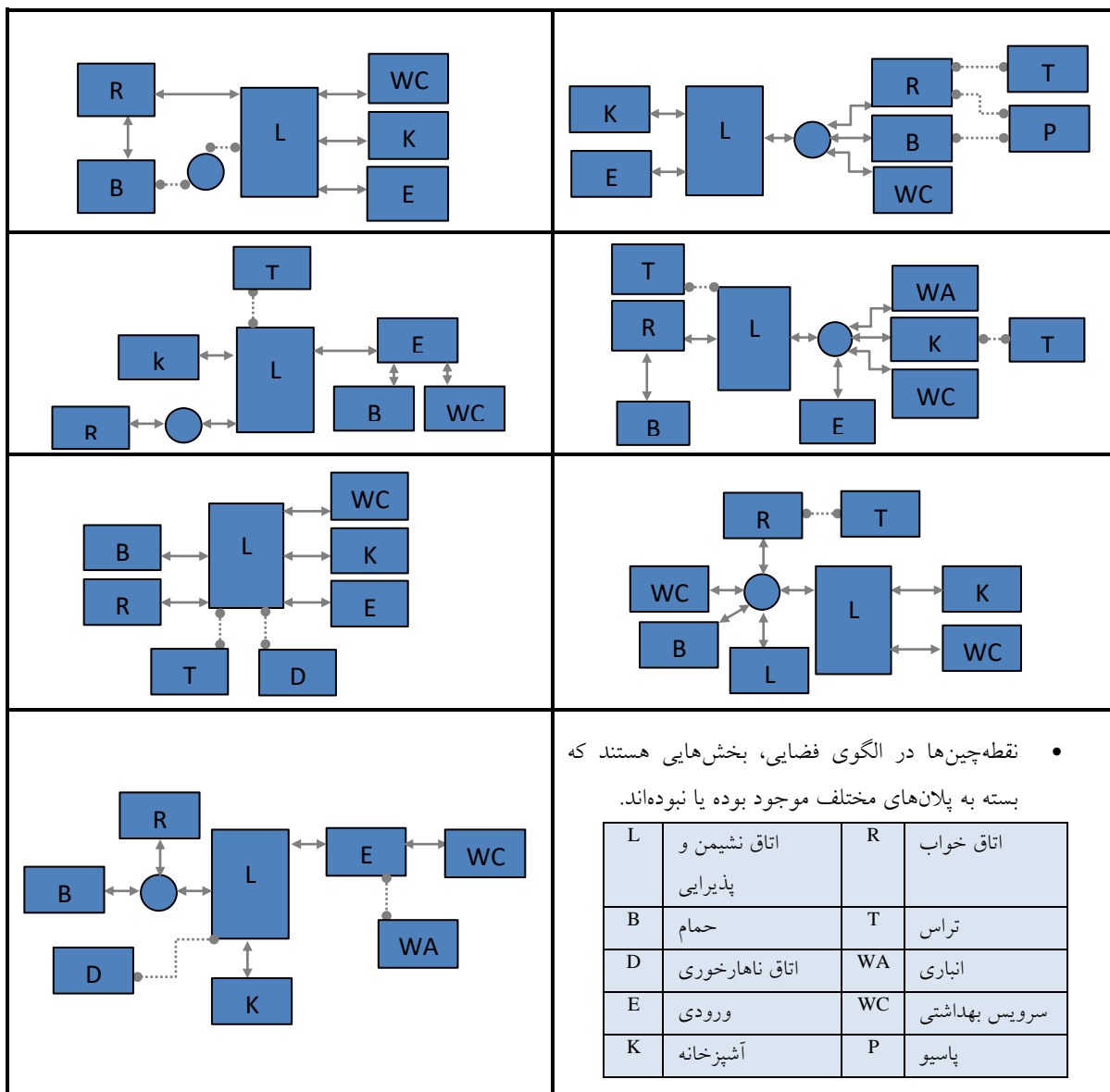
### ۳. روش پژوهش

ارزشمندی روش‌های پژوهش به اهداف و مقاصد بهره‌گیری از آن‌ها بستگی دارد و هیچ‌کدام نمی‌تواند جایگزین دیگری شود. انتظار می‌رود که پژوهشگران متخصص در حوزه کمی با داشتن جامعه آماری یکسان یا نمونه‌گیری مناسب از جامعه آماری به نتیجه یکسان و یا بسیار نزدیک به هم برسند؛ حال آنکه لازمه ورود پژوهشگر در تحقیقات کیفی ناگزیر از توان اجتهاد بالای محقق در استنباط از یافته‌های اولیه تحقیق است (Taslimi et al, 2016, 12). در این مقاله، نحوه بازنمود سبک زندگی اسلامی ایرانی در فضاهای نشیمن و پذیرایی مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی است، بنابراین استفاده از روش کیفی در این پژوهش اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و رویکرد پژوهش، استقرایی است. گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان انجام گرفته و شناسایی شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی، مبتنی بر آرای پژوهشگران، با توجه به کارایی آن در معماری بازنگری شده است و چارچوب مناسب آن جهت تحلیل داده‌ها در بخش مطالعات موردی شکل می‌گیرد. این فرآیند در سه گام به شرح زیر صورت می‌پذیرد:

**گام اول:** انتخاب محدوده پژوهشی مورد مطالعه، با توجه به سؤال پژوهش، مجتمع‌های مسکونی نوساز شهر تبریز (بیست سال اخیر) در نظر گرفته شده است. انتخاب نمونه‌ها از نقاط مختلف شهر، جهت شمول طبقات مختلف بوده است که نحوه تعامل معماری بخش‌های مختلف شهر با افراد از اقشار متفاوت مورد توجه قرار گیرد. سی واحد مسکونی مورد مطالعه به دلیل شباهت الگوی فضایی، در هفت صورت زیر (جدول ۳) طبقه‌بندی شده است.

ارتباط سبک زندگی و مسکن، از مبادلات تعاملی معنا در مسکن با عادتواره، میدان و کنش افراد ناشی می‌شود. فرهنگ با معناهای مشترک سروکار دارد. زبان هم وسیله‌ای است که به واسطه آن چیزها را درک می‌کنیم و از این طریق تولید و مبادله معنا صورت می‌گیرد. ما در زبان، نشانه‌ها و نمادهایی چون اشیاء را به کار می‌بریم تا مفاهیم، تصورات و احساسات ما را به دیگران بنمایانند؛ و معنا همواره در جریان هر کنش متقابل شخصی و اجتماعی که ما در آن مشارکت می‌کنیم، تولید و مبادله می‌شود (Hall 2012, 16-17). اشیاء، فعالانه میانجی‌گر شیوه‌های بودن ما در جهان و معنادار کردن آن هستند و آن‌ها را شکل و ساخت می‌بخشند. اشیاء مردم را نیز گرد هم آورده و کانال‌های برهم‌کنش را در اختیار می‌گذارند. اشیاء ذهن ما را فرامی‌گیرند؛ به خود ما تبدیل می‌شوند. در نتیجه، به یک معنا می‌توان گفت که اشیاء همان جایگاهی را برای هوش انسان دارند که چشم برای دیدن سازنده و باین‌حال نادیدنی (Malafouris 2014, 50). مسکن اسلامی ایرانی، به عنوان یک رسانه فرهنگی است که هدف آن نیل به خداوند است. این که هر کدام از عوامل تأثیرگذار بر سبک زندگی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تا چه حد می‌تواند بر شکل‌گیری آن مؤثر باشد، نیازمند پژوهش‌های تجربی در بستر زمینه - مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز - است؛ زیرا افراد دارای دیدگاه باورهای درونی شده متفاوت هستند و متناسب با این آموزه‌ها، محیط و زندگی پیرامونشان را شکل می‌دهند و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از محیط زمینه و جزئیات فضایی آن تأثیر می‌پذیرند که شکل ویژه‌ای به زندگی‌شان می‌بخشد و این برهم‌کنش، دربردارنده معنا و معرف سبک زندگی آن‌ها است.

جدول ۳: الگوی فضایی واحدهای مسکونی  
Table 3: Spatial pattern of residential units



**گام سوم:** جهت درک عمیق و شکل‌دهی چارچوب مفهومی، از نظریه مفهوم‌سازی داده بنیاد بهره گرفته‌شده است.

نظریه داده بنیاد<sup>۳</sup> نوعی روش‌شناسی عمومی برای تدوین نظریه‌هایی است که از داده‌هایی نظام‌مند که حاصل تحقیق اجتماعی باشند، تکوین می‌یابد. ایده اصلی این راهبرد آن است که نظریه‌پردازی از داده‌های در دسترس ناشی نمی‌شود بلکه بر اساس داده‌های حاصل از مشارکت‌کنندگان که فرایند موردپژوهش را تجربه کرده‌اند

**گام دوم:** مشخص کردن جامعه آماری پژوهش که شامل ساکنان مجتمع‌های مسکونی از طبقات مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و متغیرهایی چون سن، وضعیت تأهل و تحصیلات نیز در این تحقیق دخیل شده است. افراد دارای بازه سنی ۲۲ تا ۶۸ سال بوده‌اند و مصاحبه با ۱۴ مرد و ۱۶ زن صورت پذیرفته است. تعداد ۲۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان متأهل و ۷ نفر مجرد و دارای تحصیلات دیپلم تا دکتری هستند.

و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها ایجاد یا مفهوم‌سازی می‌شود (Strauss and Corbin 1998). کرسول، سه رهیافت متمایز در نظریه‌پردازی داده بنیاد را ذیل عناوین نظام‌مند، نوظهور و ساخت‌گرا مطرح کرده است (creswell 2005, 138). در این مقاله، به تناسب هدف پژوهش از رویکرد نظام‌مند بهره گرفته شده است. در این رویکرد، در پی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مفاهیم و از کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، مقوله شکل می‌گیرد و در نهایت با بیان روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن و بین مقوله‌های معین و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر در بستر و فرایند آن پدیده، مدل مفهومی تبیین‌کننده پدیده آشکار می‌شود (Shamaei Kopai and Esmaeili Givi 2014).

برای انجام این گام از پژوهش، ضمن انجام مطالعات در این زمینه، مصاحبه عمیق - با سؤالاتی کلی اما هدفمند- با اشخاص ساکن در مجتمع‌های مسکونی، مشاهده نمونه‌های مرتبط با موضوع و قرارگیری در محل، برای بررسی صحت گفته‌ها از مشاهدات و مشاوره با افراد آشنا با مصاحبه‌شوندگان جهت تکمیل تدریجی تحقیق همگام با تعامل و رشد فرایند پژوهش و محقق با تحلیل اطلاعات صورت پذیرفته، مکتوب شده و از تکنیک کدگذاری استفاده شده است. راهبرد نمونه‌گیری با توجه به روش کیفی، نمونه‌گیری نظری با حداکثر اشباع است. روش گردآوری اطلاعات بدین صورت است که پس از مطالعات اسنادی؛ مصاحبه توسط پرسش‌نامه‌ی باز و مشاهده انجام می‌گیرد. چندی از سؤالات محوری مطالعه عبارت هستند از: «طراحی فضاهای محل زندگی شما چگونه است و تعریف شما از یک جای راحت و دل‌نشین برای استراحت و حصول آرامش در خانه چگونه فضایی است؟ وسایل چیدمان خانه چه خصوصیتی دارد؟ رعایت چه اصولی در

خانه و خانواده شما دارای اهمیت است؟ نوع روابط اعضای خانواده، اطرافیان و همسایه‌ها و میزان حضور در کنار هم به چه صورت است؟ آیا تمایلی به نزدیک کردن فرزندان و اطرافیان خود به سمت دین‌داری و در مورد خانواده شما به چه طریقی صورت می‌گیرد؟ اوقات فراغت خانواده در خانه شامل چه کارهایی می‌شود؟»

در نمونه‌گیری، محقق هم‌زمان داده‌ها را گردآوری می‌کند، تحلیل می‌کند و با توجه به این تحلیل تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعد (مصاحبه یا مشاهده بعدی) چه داده‌ای را گردآوری کند و کجا آن‌ها را بیابد تا به تدریج به پاسخ سؤالات دست یابد؛ بنابراین نمونه‌گیری نظری، جهت گردآوری داده‌ها را در مراحل بعدی مشخص می‌کند و این فرایند به‌طور چرخه‌ای تداوم می‌یابد تا مقولات به اشباع برسند (Mohammadpour 2011, 86-90). مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت ۱- مفهوم‌پردازی از داده‌ها ۲- کشف مقوله‌ها ۳- گسترش مقوله‌ها و مراحل کدگذاری شامل ۱- کدگذاری باز و ۲- کدگذاری محوری است. بنابراین، در مصاحبه با ۳۰ نفر اشباع نظری حاصل شد و پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها به تحلیل داده‌ها اقدام شده است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

پس از کدگذاری اولیه متن مصاحبه‌ها، استخراج مفاهیم و مقوله‌ها انجام گرفته است و در مجموع، تعدادی کد اولیه شناسایی شد که پس از حذف تکرارها و مفهوم‌سازی در مرحله کدگذاری باز، مفاهیمی استخراج شد. با غربالگری مفاهیم اولیه به شرح ذیل به مقولات فرعی و مقولات اصلی دست‌یافتیم که در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴: استخراج مقولات فرعی و اصلی  
Table 4: Extraction of original subcategories

مقولات اصلی	مقولات فرعی
روابط صمیمی میان اعضای خانواده و مدنظر قرار دادن اهمیت میهمان: فضا سازی متناسب با توجه به شرایط سنی، سلیقه، روحیات افراد جهت ایجاد آرامش و نظم بصری و شرایط آسایش و اولویت فضایی - انعطاف پذیری مؤثر فضایی- چیدمان فضایی مبلمان روبه روی هم و پیوسته بادید به طبیعت -ابعاد و ارتباط فضایی مناسب پذیرایی و نشیمن با حفظ حریمیت برای خانم‌ها و آقایان- قابلیت کنترل بچه‌ها از سوی والدین.	روابط صمیمی با افزایش ساعات کنار هم بودن اعضای خانواده - صله رحم با فامیل و دوستان و استفاده از تجربیات با تمهید تنوع فضایی مناسب، ارگونومی، نور، تهویه، نظم و تناسبات گرافیکی فضا جهت ایجاد جذابیت بصری- ابعاد و ارتباط فضایی مناسب پذیرایی و نشیمن و اولویت ابعاد آن نسبت به اتاق خواب- مبلمان متفاوت و به هم پیوسته برای نشیمن و پذیرایی برای بزرگ شدن پذیرایی هنگام حضور میهمان و چیدمان فضایی به صورت روبه روی هم جهت تعامل (انعطاف پذیری در چیدمان) - دید و منظر مناسب از پنجره‌ها - ایجاد شرایط آسایش پدر بزرگ و مادر بزرگ- تمایل به حفظ پوشش و در کنار هم بودن و تعامل خانم‌ها و آقایان: ایجاد دو فضا در یک بخش و غیرمستقل برای حضور خانم‌ها و آقایان- در دیدرس بودن بچه‌ها در خانه و قابلیت کنترل با تعبیه فضاهای نیمه خصوصی در قسمت نشیمن- مبلمان‌هایی با رویه قابل شستشو جهت زیبایی خانه در تمامی اوقات.
بهینه بودن قیمت و کیفیت، خودکفایی، توان مالی در خرید وسایل و مصالح.	توان مالی مؤثر بر انتخاب وسایل منزل و مصالح - اولویت در نیازها- خرید جنس ایرانی در صورت داشتن کیفیت و طول عمر (مبلمان، پرده، ... ) و جنس غیر ایرانی در لوازم برقی- حمایت از کالای ایرانی با کیفیت.
تمایل به تمایز با علایق و سلاقی متفاوت: دل بستگی به زندگی سستی یا گریز از آن با استفاده از وسایل مدرن یا کلاسیک و وسایل یادآور گذشته - وسایل خانه حامل پیام زیبایی از دید کاربر: اصالت، رسانه بودن، تجمل گرایی و فخرفروشی یا عدم تعلق به وسایل خانه و ساده زیستی و اهمیت شاد زیستن- اولویت بودن کارایی یا زیبایی.	استفاده از وسایل به روز (مدرن: در خانه‌های کوچک یا کلاسیک) و فاصله گرفتن از گذشته- تمایل به وجود بخشی سستی در خانه (فرش و پستی یا با تخت و پستی و پتو) و استفاده از وسایل یادآور گذشته - کاربردی یا تزئینی بودن وسایل یا تزئینی بودن و نداشتن کاربرد (مانند مبلمان اعیانی و ناراحت) مارک بودن وسایل و مصالح -اهمیت نظر دیگران درباره چیدمان یا مقدم بودن علاقه شخصی (آرامش بخش بودن فضا) - عدم تقید اکثریت افراد به رعایت ساده زیستی علی رغم ارزش شمردن آن - استفاده از مبلمان مدرن و محدود نکردن فضاها برای عملکرد خاص جهت مطالعه و کار.
تأثیر مد- تصحیح نحوه ساخت محصولات و کارا بودن- استفاده از آینه- در نظر گرفتن اقلیم و آسایش حرارتی و صوتی- عدم قرارگیری مستقیم سرویس بهداشتی در پذیرایی و فیلتر فضایی در جای مناسب و جداسازی بخش عمومی و خصوصی.	پرده‌های والان دار برای کنترل نور و دید و زیبایی بخشیدن به منزل طراحی نامناسب پرده تراس یا پنجره‌ها به دلیل عدم قابلیت جابه جایی پرده- آینه: بزرگ و روشن به نظر آمدن فضا- ناراضایتی از استفاده از سرامیک و سنگ و آجر در کف و دیوار و مصالح رسانای صوت، استفاده گسترده از فرش - نور مصنوعی غیرمستقیم با سقف کاذب و با ارتفاع مناسب کف تا سقف- ترجیح پرده‌های بارنگ روشن و با تراکم بافت کمتر با وجود حریمیت.
استفاده از محصولات فرهنگی. تقدس و رسانه بودن تصویر و اعتقادات مذهبی- فضای مناسب و میز و صندلی مخصوص برای خواندن نماز برای افراد مسن. توجه به حضور طبیعت در خانه از پنجره‌ها یا نگهداری گل‌دان‌های آپارتمانی.	استفاده از ساخته‌های هنری افراد در منزلشان- قرارگیری ادوات موسیقی و تلویزیون در نشیمن یا بین نشیمن و پذیرایی جهت هم نشینی با لحاظ آسایش صوتی- عکس امامان روی دیوار- فضای دل نشین، ساده و آرام برای خواندن نماز بدون تعبیه فضای خاص و میز و صندلی مخصوص برای افراد مسن- علاقه مندی به نگهداری از گل و گیاه در نشیمن و پذیرایی و یا عدم استفاده به دلیل نیاز به رسیدگی- بهره از نور طبیعی و دید به مناظر
عدم تمایل به روابط همسایگی. تمایل به جلسات مذهبی گروهی.	عدم علاقه به رابطه با همسایه‌ها و رابطه در حد احوالپرسی یا شرکت در جلسات رسمی.

محل سرو غذا برای خانواده و میهمانان: سفره: راحت بودن میل غذا روی زمین یا غذا دادن به کودک و محدودیت اندازه میز ناهارخوری برای تعداد افراد زیاد و حضور گرم فامیل و خانواده- میز ناهارخوری: راحت بودن برای افراد دارای مشکلات کمر یا زانو. استفاده از اپن و میز ناهارخوری به صورت همزمان برای مهمانی‌ها برای چیدمان سلف سرویس غذا یا جدا نشستن خانم‌ها و آقایان. مشکلات: دید داشتن میهمانان از پذیرایی به آشپزخانه و ارگونومی نامناسب میز اپن، انتشار بو و چربی.	استفاده از میز ناهارخوری به دلیل ارگونومی مناسب یا سفره به دلیل راحت بودن و یا غذا دادن به کودک و عدم محدودیت تعداد افراد و ایجاد حس صمیمیت- حریمیت و جدا نشستن خانم‌ها و آقایان هنگام صرف غذا - کارایی اپن برای چیدمان سلف سرویس- تأثیرات منفی آشپزخانه اپن بر فضای پذیرایی.
جداسازی فضای عمومی و خصوصی- قرار نگرفتن حمام و دستشویی در نشیمن و پذیرایی- میل راحتی یا تخت یا پستی روبه روی تلویزیون، میل کنار شופاژ، میل کنار پنجره	عرصه‌بندی و ابعاد متناسب فضاها - تعریف پیش فضا و فیلتر- در نظر گرفتن امتیازات موجود در نقاط مختلف خانه و طراحی بسته به نیاز فضا
رضایت افراد از قوانین شهرداری (ارتفاع پنجره از ۱۸۰ سانتی‌متر به بالا یا استفاده از شیشه مات و ثابت): حریمیت- عدم دید به منظر و صرفاً تأمین نور- تأثیر کمبود نور در سلامت بدن - طراحی ورودی و یا پنجره با حریمیت - بازنگری ارگونومی وسایل خانه مانند مبلمان و کارآمدی بیشتر - متناسب بودن ابعاد وسایل با متراژ فضا	پنجره در ارتفاع ۱۸۰ به بالا یا استفاده از شیشه مات و ثابت: عدم دید به منظر و صرفاً تأمین نور- نور طبیعی و مصنوعی و تهویه کافی - حریمیت- (فاصله مناسب مجتمع‌ها، پیش فضای ورودی)- ارگونومی وسایل و تناسب ابعادی با متراژ خانه.

وجه مورد بازبینی قرار گرفته است. شاخصه‌های سبک زندگی بر اساس مبانی نظری، مبتنی بر مفاهیم سبک زندگی بورديو (جدول ۱) و همچنین رویکردهای اندیشمندان مسلمان (جدول ۲) اتخاذ شده است.

جدول (۵) ماتریسی با دو ستون اصلی است: ۱- شاخصه‌های سبک زندگی (با روش غربالگری بر اساس ارتباط با معماری) و ۲- وجه معماری آن در منازل مسکونی (که از مقوله‌های اصلی جدول (۴) بر اساس مدل پارادایم استراوس و کوربین استخراج شده)؛ و کنش این دو

جدول ۵: سبک زندگی و معماری نشیمن و پذیرایی در مجتمع‌های مسکونی  
Table 5: Lifestyle and architecture of living and reception room in residential complexes

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سبک زندگی مرتبط با معماری		مقولات اصلی مصاحبه‌ها در خصوص معماری و چیدمان فضایی نشیمن و پذیرایی شاخصه‌های معماری پیشنهادی برای تحقق سبک زندگی اسلامی ایرانی	
سرمایه فرهنگی	سرمایه اقتصادی	اهمیت بهینه بودن قیمت، کیفیت، خودکفایی	افزایش تعامل خانواده و میهمان با ایجاد انعطاف‌پذیری فضاها (استفاده از نشیمن به عنوان قسمتی از پذیرایی) - قابلیت کنترل فرزندان از سوی والدین (وجود فضاهایی برای ترغیب فرزندان برای حضور در نشیمن و پذیرایی)
		مدیریت بدن	وجود نور طبیعی و مصنوعی و تهویه کافی - تصحیح ارگونومی محصولات - در نظر گرفتن اقلیم و آسایش حرارتی و صوتی-عدم قرارگیری مستقیم سرویس بهداشتی در پذیرایی.
		کلیشه‌های جنسیتی	ابعاد و ارتباط فضایی مناسب پذیرایی و نشیمن جهت حضور خانم‌ها و آقایان در کنار هم به صورت جداگانه با وجود دید بصری و با حفظ پوشش مناسب - حریمیت پنجره‌ها و فضاها و جداسازی عرصه عمومی و خصوصی و فیلتر فضایی مناسب

				ارتباط انسان با طبیعت و خویش	شناسایی امتیازات نقاط مختلف فضایی و طراحی بسته به نیاز افراد- حضور طبیعت در خانه از پنجره‌ها یا نگهداری گلدان‌های آپارتمانی
				ارتباط انسان با خدا و دیگران	فضای مناسب و میز و صندلی مخصوص برای افراد مسن برای خواندن نماز - فضاسازی متناسب با توجه به شرایط سنی، سلیقه، روحیات افراد جهت ایجاد آرامش و نظم بصری و شرایط آسایش- چیدمان فضایی پیوسته نشیمن و پذیرایی و دید به طبیعت- انعطاف‌پذیری فضایی و کارایی برای اعضای خانواده و میهمان
				شیوه گذران اوقات فراغت	
				الگوی مصرف صنایع فرهنگی و کالای فرهنگی در خانه	استفاده از محصولات فرهنگی مانند اثر هنری افراد یا وسایل قدیمی (اصالت) و انجام کار فرهنگی (مطالعه، ساززدن) - تمایل به برگزاری جلسات مذهبی گروهی در نشیمن و پذیرایی- استفاده از نمادهای مذهبی به دلیل تقدس یا عدم استفاده از آن به دلیل اعتقادات مذهبی- تمایل به تمایز با علائق و سلاطین متفاوت: دل‌بستگی به زندگی سنتی یا گریز از آن و روی آوردن به طراحی مدرن یا کلاسیک
				هماهنگی نسبی با وضعیت عمومی جامعه در الگوی مصرف	تأثیر مد در وسایل، طرح و مصالح با اولویت متفاوت کارایی یا زیبایی - تجمل‌گرایی در اکثریت افراد یا عدم تعلق به وسایل خانه و ساده زیستی به‌صورت محدود.
				خانواده	ایجاد روابط صمیمی میان اعضای خانواده در ساعات کنار هم بودن خانواده با فضاسازی متناسب و با توجه به شرایط سنی، سلیقه، روحیات افراد
				همسایگی	عدم تمایل به روابط همسایگی و رابطه در حد جلسات مذهبی گروهی در پذیرایی
				منش یا عادت‌پذیری (علائق و سلیقه‌ها)	میز ناهارخوری: ارگونومی مناسب یا سفره: راحت بودن و یا غذا دادن به کودک و عدم محدودیت تعداد افراد و ایجاد حس صمیمیت- جدا نشستن خانم‌ها و آقایان هنگام صرف غذا روی میز ناهارخوری و این- این برای چیدمان سلف‌سرویس- احساس محرمیت در خانه‌های دارای پنجره در ارتفاع بالاتر از ۱۸۰ یا دارای شیشه مات.
				رسانه بودن	توجه به آرامش‌بخش بودن فضا برای حصول لذت درونی با فضاسازی مناسب و ارتباط با طبیعت و تابلوهای عکس امامان و آیه قرآن بر دیوار
				چیزها و کاربردها	وسایل حامل پیام زیبایی از دید کاربر: اصالت، رسانه بودن (کنسول عکس و دست‌ساخته‌های فرهنگی، نمادهای مذهبی در خانه یا عدم استفاده از آن)
				کاربرد	ارگونومی وسایل و تناسب ابعادی آن‌ها با متراژ خانه - تأثیرات منفی آشپزخانه این بر فضای پذیرایی (دید داشتن میهمانان از پذیرایی به آشپزخانه، انتشار بو و چربی) - عرصه‌بندی و ابعاد متناسب فضاها.

## ۵. تحلیل و بحث

موارد مطرح شده، گویای آن است که در مواردی خواسته‌های ساکنان در مجتمع‌های مسکونی و طراحی خانه‌ها همسو است. در مواردی نیز طراحی خانه‌ها جوابگوی نیاز نبوده و افراد را دچار مشکل یا ناراحتی کرده

است. از سوی دیگر میزان تناسب سبک زندگی حاضر و با سبک زندگی اسلامی نیز دارای اهمیت است. در بعد اجتماعی، افراد با تغییرات در نحوه چیدمان با اتصال نشیمن و پذیرایی و مبلمان پیوسته، سعی در فراهم آوردن بستری برای تعامل، با حفظ شئون، کرده‌اند و تا حد ممکن،

فضاسازی متناسب با نیاز افراد، با لحاظ نمودن انعطاف‌پذیری، برنامه‌ریزی شده است. به دلیل خصلت میهمان‌نواز بودن، تمایل به کوچک بودن اتاق‌های خواب و بزرگ بودن پذیرایی نیز در انتخاب مسکن از سوی ساکنان مؤثر بوده است. با وجود عدم تمایل به روابط همسایگی - که به گفته فاضلی (Fazeli 2013) به علت به وجود آمدن دغدغه‌های شهرنشینی و کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی اسلامی و گسست فرهنگی است- ساکنان، گاه‌ا از پذیرایی برای جلسات دینی گروهی استفاده می‌کنند. بنابراین، توجه به جدا بودن فضای عمومی و خصوصی اهمیت بیشتری- به دلیل شناخت کم همسایه‌ها از یکدیگر- پیدا می‌کند. استفاده نمادین از محصولات فرهنگی و دینی نیز در عرصه عمومی برای ساکنان حائز اهمیت است. زیرا «فرهنگ، میراثی اجتماعی است که به مثابه یک اصل سازمان دهنده در جامعه دارای نقش و بیان‌کننده ارزش‌های آن جامعه است (Kafi 2011,189).

در بعد اخلاقی نیز استفاده از محصولات نمادین دینی به عنوان یک رسانه تأثیرگذار بوده است.

در بعد باورها، با توجه به طراحی صورت گرفته، طراحی چیدمان بسته به نیاز با لحاظ پتانسیل فضا، در بعد فردی و اجتماعی، برای کسب آرامش انجام گرفته است. باورها از منش افراد جدا نبوده و نوع خاصی از مبلمان و یا نحوه چیدمان وسایل را موجب شده است؛ و معماران نیز، با توجه به قوانین شهرداری که جدا از خواسته ساکنان نبوده است، تا حدودی این عادت‌واره‌ها را لحاظ کرده‌اند؛ زیرا باورها، خودآگاه یا ناخودآگاه در رفتارها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (Kaviani 2012,22).

در بعد مالی، توجه به خودکفایی، به دلیل کیفیت مناسب در تناسب با قیمت تا حدود زیادی در اکثر وسایل خانه (غیر از وسایل برقی)- در رابطه با سرمایه اقتصادی افراد - وجود دارد. استقلال اقتصادی و خودکفایی یکی از اصول قانون اساسی جهت جهاد اقتصادی و دارای اهمیت است (Ahmadi and Marvi Samavarchi 2012).

در الگوهای مصرف، هماهنگی با وضعیت عمومی جامعه،

جای خود را به تجمل‌گرایی، چشم‌وهم‌چشمی و مدگرایی داده است و افراد در اسارت ارزش‌هایی تعریف‌شده از سوی قدرت‌هایی منفعت‌طلب قرار گرفته‌اند. این موارد، قریحه و سلیقه را نیز به صورت فردی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینجا است که علم نافع اهمیت پیدا می‌کند و آگاهی و شناخت افراد در به‌کارگیری مناسب حواس برای یافتن حقیقت ارزشمند می‌شود و اشاره به این موضوع دارد که «مواظبت از چیزی که آدمی نگاه می‌کند، کلامی که گوش می‌کند، چیزی که می‌خورد و ... هر کلامی، منظره‌ای، بانگی، رنگی نباید اجازه ورود به روح را پیدا کند» (Soroush 2014,71).

در بُعد تفکر و علم، تعامل خانواده جهت انتقال تجربیات، افکار و تعلیم و تربیت دغدغه‌ای برای تمامی خانواده‌ها است. این موضوع در نشیمن و پذیرایی، با فضاسازی مختص به افراد با توجه به سن و روحیات، به منظور حضور با شرایط متفاوت در کنار هم و همچنین کنترل کافی والدین بر فرزندان، توسط معماران، به طور کامل مدنظر قرار نگرفته است و افراد با نحوه چیدمان مبلمان تلاش‌هایی انجام داده‌اند تا بستر مناسب تعامل را فراهم کنند. زیرا «شناخت برای همه انسان‌های جامعه و زندگی انسان امری ضروری بوده و این ضرورت به دوره‌ای مخصوص، گروهی خاص یا موقعیتی معین در زندگی اختصاص ندارد (Mottaghi and Nowrozi 2013)». فراهم کردن ارتباط با طبیعت از طریق بالکن یا پنجره‌ها صورت گرفته است. ولی در صورت وجود این امکان، ملاحظات مرتبط با حریمیت برای آن در نظر گرفته نشده است. گاهی افراد از گلدان‌هایی نیز جهت آوردن طبیعت به محیط زندگی استفاده کرده‌اند.

در بُعد زمان‌شناسی و چگونگی گذران اوقات فراغت نیز کارایی فضاها برای خانواده و میهمان با توجه به علایق، به صورت ایده‌آل نبوده است و افراد خود را با شرایط، سازگار کرده‌اند.

در بعد خانوادگی، نیاز به ارتباط آشپزخانه و نشیمن برای تعامل اعضای خانواده در هنگام رسیدگی به امور خانه

مورد نیاز به نظر می‌رسد و از سوی دیگر محرمیت این مجموعه در ارتباط با فضای عمومی خانه، مدنظر است؛ که در مجتمع‌های ساخته شده مورد توجه کافی قرار نگرفته و گاهی در جامعه فرهنگی نیز، ارائه راه حل با اولویت بندی حقوق بر اساس موضع مقاله صورت گرفته است؛ به عنوان مثال ناری قمی (2014 Nari Ghomi). در مقاله «آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران» با توجه به ویژگی‌های حرکتی رفتار در فرهنگ ایرانی که متکی بر نشستن روی زمین برای صرف غذا است، میز ناهارخوری وسیله‌ای معرفی شده است که افراد، بالاجبار از آن استفاده می‌کنند و در مطالعات موردی مقاله ایشان این موضوع صادق به نظر می‌رسد، ولی بنا به مشکلات جسمی، خانواده‌هایی هستند که امکان استفاده از سفره، جهت صرف غذا برای آن‌ها مقدور نیست. تمایل به استفاده از میز ناهارخوری یا سفره و بستر آن- آشپزخانه و یا بخشی از نشیمن و پذیرایی به عنوان ناهارخوری- بسته به نیاز خانواده طراحی را سمت و سو می‌بخشد. در مقاله مذکور، طراحی آشپزخانه‌ای که به سمت روابط جمعی خانگی رود، انطباق فکر نشده غربی مطرح شده است و آشپزخانه باز، متناسب با فرهنگ ایرانی دانسته نشده است. این موضوع از جهات مطروحه از سوی نویسنده مقبول است؛ ولی در مصاحبه‌های پژوهش حاضر، افراد، مزایایی را نیز از ارتباط نشیمن و آشپزخانه باز عنوان می‌کردند؛ از آن جمله نظارت بر فرزندان و ارتباط با خانواده به دلیل ساعات کم در کنار هم بودن و مصاحبت در حین انجام کارهای خانه را می‌توان نام برد. گاهی متراژ

خانه نیز امکان استفاده از آشپزخانه بسته را مقدور نمی‌سازد. زیرا در مطالعه حاضر، تمایل افراد به بزرگ‌تر بودن بخش نشیمن و پذیرایی است. بنابراین ارائه راه‌حلی که همه جوانب را برای برآوردن نیازها در نظر داشته باشد، جای تأمل دارد؛ به عنوان مثال شاید بتوان با عناصری غیر سازه‌ای و باز و بسته شونده، ارتباط آشپزخانه و نشیمن را - با توجه به استفاده از نشیمن به عنوان بخشی از پذیرایی - مطلوب‌تر کرد.

در بُعد سلامتی، نور و تهویه مناسب، آسایش صوتی، ارگونومی، ارتباطات صحیح الگوی فضایی از جمله مواردی است که به صورت نیمه تخصصی در حوزه اجرایی مورد توجه قرار می‌گیرد و نیازمند بازنگری، از سوی معمار و تیمی متخصص در هر کدام از زمینه‌های مرتبط است.

گاطع زاده و اسکندری (Gatezadeh and Eskandari 2017) مقدار شایان توجهی از اثر سبک زندگی بر افسردگی را به واسطه متغیرهای واسطه‌ای سلامت و کیفیت زندگی مطرح می‌کند.

در بعد عبادی، فضای مناسب برای ارتباط با خدا و تسلی روح اغلب به انتخاب ساکنان سپرده شده است؛ و در مواردی افراد، به علت باز یا آرام بودن، نشیمن یا پذیرایی را برای راز و نیاز انتخاب کردند؛ اگرچه این امکان، قابل احترام است، ولی بستر ارتباط با خدا باید به دور از تجمل‌گرایی و دل‌بستگی به دنیا باشد. «چراکه بلندی آرزو مایه فراموشی آخرت است» (Soroush 2014,282).

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، چگونگی بازنمود سبک زندگی اسلامی ایرانی در حوزه نشیمن و پذیرایی در مجتمع‌های مسکونی نوساز در شهر تبریز بررسی شده است. با تعمق بر مفاهیم مطرح شده، درمی‌یابیم که معماری و سبک زندگی به صورت تعاملی با یکدیگر کار می‌کنند و هر کدام دیگری

را تغذیه و تعریف می‌کند و این رابطه تعاملی، نشانگر عدم هماهنگی کامل طراحی مسکن با سبک زندگی ساکنان است و کمبود فضا، نامناسب بودن طراحی و ناکارآمدی پیش‌بینی عملکردها و عدم انعطاف‌پذیری یا تطابق تجهیز و طراحی فضا با نیازهای افراد ملاحظه می‌شود. این در حالی



است که در بیشتر موارد سبک زندگی ساکنان، در سطح بالایی مطابق با ارزش‌های اسلامی ایرانی قرار دارد و معماری با آن به میزان کم مطابقت دارد؛ این موارد شامل تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، روابط اعضای خانواده، مدیریت بدن، کلیشه‌های جنسیتی، الگوی مصرف و ترویج الگوهای زندگی دینی، ارتباط انسان با خدا، با دیگران، با خویشتن و با طبیعت است. در مواردی نیز چون گسترش تجمل‌گرایی - که مطابق با اعتدال و میانه‌روی و هماهنگی با وضعیت عمومی جامعه و ارزش‌های اسلامی نیست - قریحه را نیز تحت تأثیر قرار داده و سبک زندگی تا حدودی درگیر باورهای رایج شده است. همچنین مانع‌هایی در ذهنیت‌های ساکنان در رابطه با شکل‌گیری نهادها و تشکلهای و روابط همسایگی وجود دارد که به لحاظ معماری نیز، ظرفیت حل این مانع‌ها وجود ندارد. این شاخصه‌ها، در ابعاد اجتماعی، اخلاقی، باورها، مالی، تفکر و علم، زمان‌شناسی، خانوادگی، سلامتی و عبادی بررسی شده و از آنجاکه معماری همچون یک رسانه عمل می‌کند، می‌تواند به صورت ناخودآگاه، عادت‌واره‌ها و کنش افراد را در ابعاد مختلف سبک زندگی سمت‌وسو دهد و موجب

سازگاری افراد با شرایط موجود، هرچند نامناسب، شود و عادت‌واره‌های آن‌ها را به صورت غیرآگاهانه تغییر دهد و یا برای آن‌ها احساس نارضایتی ایجاد کند که بدین ترتیب افراد در حد توان، به تغییرات داخلی دکوراسیون و مبلمان اقدام می‌کنند تا شرایط را تعدیل کنند. ازاین‌رو، معماری برای برآوردن نیاز ساکنان در راستای ارزش‌های اسلامی ایرانی، نیاز به بازنگری دارد. این تحول، از سوی عاملان قدرتی که منافع آن‌ها در گرو ساخت‌وساز مسکن امروز است، نمی‌تواند بدون جهت‌گیری صورت پذیرد. بنابراین، طبقه فرهنگی به دلیل نافع نبودن، می‌تواند با انتقال آگاهی، به عنوان رسانه هنر معماری، حق انتخاب را با ایجاد گزینه مطلوب فراهم سازند. بدین طریق علایق و گرایش‌های افراد، به سمت ارزش‌های اسلامی و فرهنگ، سوق پیدا می‌کند و افراد نیز خود را نسبت به باورهای خویش آگاه می‌یابند. در خاتمه، پیشنهاد می‌شود مطالعات کاربردی مشابه، در سایر شهرها نیز انجام گیرد و با به کارگیری عملی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی در حوزه مسکن و تحقق آن در طراحی، برای نیازهای واقعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی پاسخ مناسب فراهم شود.

## پی‌نوشت‌ها

<sup>1</sup> Doxa

<sup>2</sup> Doxic

<sup>3</sup> Grounded Theory

## فهرست منابع

- احمدی، مهدی و علی مروی سماورچی. ۱۳۹۱. زمینه‌های تحقق جهاد اقتصادی در قانون اساسی. فصلنامه راهبردی بسیج ۱۵(۵۷): ۳۵-۶۲.
- اعزازی، شهلا. ۱۳۸۰. تحلیل ساختاری جنسیت. تهران: انتشارات شهید بهشتی.
- پیربابایی، حمزه، مینو قره‌بیگلو و محمدعلی کی نژاد. ۱۳۹۹. تبیین سازوکار تأثیر فرهنگ بر درک خلاقیت اثر معماری با نظریه اعتباریات. پژوهشنامه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی ۵(۲): ۱۰۷-۱۲۳.
- پیربابایی، محمدتقی، حامد بیتی و عاطفه صداقتی. ۱۳۹۸. مفهوم ارزش در برنامه‌ریزی مسکن: مطالعه تطبیقی مدل هدانیک مسکن با دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی. نشریه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان ۱۷(۱۷): ۳۰۳-۳۲۹.
- تسلیمی، محمد سعید، خلیل نوروزی و محمد عبدالحسین‌زاده و مجتبی جواد. مدل پارادایمی نهادهای کلان واسطه علم و فناوری کشور (مطالعه موردی: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری دولت دهم). نشریه راهبرد ۲۵(۷۹): ۵-۲۸.

- ثمین شریفی میاوقی، ابراهیم و معصومه یعقوبی سنقرچی و مسعود حق‌لسان. ۱۳۹۸. ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی معماری مسکن مطلوب بر اساس نظام معرفتی اسلام (نمونه موردی: خانه‌های معاصر ارومیه). نشریه علمی آموزش و ارزشیابی ۱۲(۴۸): ۳۳-۶۲.
- جباران، محمدرضا. ۱۳۹۴. تحلیل مفهومی سبک زندگی. فصلنامه علمی پژوهشی قبسات ۲۰(۷۵)، ۱۷۳-۱۸۷.
- دوائی، مهدی و سجاد حاتم. ۱۳۹۶. سبک زندگی ایرانی اسلامی. تهران: انتشارات هدهد.
- سروش، عبدالکریم. ۱۳۹۳. اوصاف پارسایان، شرح خطبه امام علی علیه‌السلام درباره متقین. تهران: انتشارات صراط.
- سیدی، فرائد و محمدرحیم بیرقی. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی روابط اجتماعی سبک زندگی دینی و سبک زندگی مدرن با تأکید بر جامعه ایران. نشریه پژوهش دینی (۲۵): ۱۹-۳۴.
- شصتی، شیما و محمد منصور فلامکی. ۱۳۹۳. رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» و نظریه «راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»). فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی ۶(۳): ۱۱۷-۱۳۷.
- شماعی‌کوپائی، میلاد و محمدرضا اسمعیلی گیوی. ۱۳۹۳. مدل پارادایمی مدیریت جهادی با استفاده از نظریه داده بنیاد. نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی ۵(۱۹): ۱۱۹-۱۵۰.
- صالحی، عاطفه. ۱۳۹۰. اصول مسکن ایرانی معاصر بر اساس احکام اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۲. اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: شرکت افست سهام عام.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۷. انسان از آغاز تا انجام. ترجمه صادق لاریجانی. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب.
- فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. مصرف و سبک زندگی، چاپ اول. قم: نشر صبح صادق.
- فاضلی، نعمت‌الله. ۱۳۹۲. فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان شهری. تهران: انتشارات تپسا.
- قره‌بیگللو، مینو و سولماز روحی‌فر. ۱۳۹۷. تاریخ ذهنیت عامه، عاملی تأثیرگذار بر کیفیت مسکن. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی ۲۳(۱): ۶۷-۸۰.
- قره‌بیگللو، مینو، قاسم مطلبی و سامان صبا. ۱۳۹۷. بازشناسی مفهوم ارزش در رابطه انسان و محیط در فضاهای باز سکونتی در معماری سنتی ایران. نشریه هنرهای زیبا ۲۴(۱): ۱۰۱-۱۱۴.
- قلی زاده، آذر و اعظم سبکتکین ریزی. سبک زندگی اسلامی و رابطه آن با مصرف‌گرایی (مورد مطالعه: شهروندان اصفهانی). نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده (۳۵): ۸۱-۱۰۰.
- کافی، مجید. ۱۳۸۰. فرهنگ و تعلیم و تربیت در اندیشه امام خمینی (ره). مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی ۵(۱۸۷): ۲۰۴.
- کاویانی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گاطع زاده، عبدالامیر و حسین اسکندری. ۱۳۹۶. آزمون مدل علی افسردگی بر اساس سبک زندگی با واسطه‌گری سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی ۸(۳۰): ۱۲۳-۱۴۰.
- گرنفل، مایکل. ۱۳۹۸. مفاهیم کلیدی پیر بوردیو. ترجمه: محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
- مالافوریس، لمبرز. ۱۳۹۳. چگونه اشیاء، ذهن را شکل می‌دهند؛ نظریه گرایش مادی (درآمدی باستان‌شناختی و مردم‌شناختی بر فهم شناختی هنر و طراحی). ترجمه: وحید عسگرپور. تبریز: انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- متقی، زهره و رضاعلی نوروزی. ۱۳۹۳. راهبرد آموزشی تجربه‌ی زیبایی‌شناختی بر مبنای اندیشه‌های معرفت‌شناسی استاد جعفری، حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۵(۱): ۸۷-۱۰۷.
- محمدرپور، احمد. ۱۳۹۰. روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مرتضی، حشام. ۱۳۸۷. اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مصلح، علی‌اصغر. ۱۳۹۲. ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و فلسفه فرهنگ. تهران: روزگار نو.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۳. انسان در قرآن. قم: انتشارات صدرا.
- معظمی، منوچهر و عیسی حجت. ۱۳۹۶. ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر

مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۸۷. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. مجله تحقیقات فرهنگی ایران (۱): ۱۹۹-۲۳۰.

ناری قمی، مسعود. ۱۳۹۳. آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی-فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران: نمونه موردی شهر قم. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۳): ۱۴۵-۱۷۱.

نیازی، محسن. ۱۳۹۰. رابطه بین سبک زندگی و میزان هویت ملی (مطالعات موردی: شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹). مطالعات فرهنگی و ارتباطات (۲۴): ۱۵۸-۱۲۹.

هال، استیوئرت. ۱۳۹۱. معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه: احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.

هینیک، ناتالی. ۱۳۸۴. جامعه‌شناسی هنر. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: انتشارات آگاه.

## منابع انگلیسی

- Ahmadi, Mehdi, and Ali Marvi Samavarchi. 2012. Grounds for the Realization of Economic Jihad in the Constitution. *Basij Strategic Quarterly* 15 (57) 35-62. [in Persian]
- Creswell, J. W. 2005. *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition): University of Nebraska.
- Davaei, Mehdi, and Sajjad Hatem. 2017. *Iranian-Islamic lifestyle*. Tehran: Hodhod Publications. [in Persian]
- Ezazi, Shahla. 2001. *Structural Analysis of Gender*. Tehran: Shahid Beheshti Publications. [in Persian]
- Fazeli, Mohammad. 2003. *Consumption and lifestyle*, 1st edition. Qom: Sobh Sadegh Publishers.
- Fazeli, Nematullah. 2013. *Culture and City; Cultural Rotation in Urban Discourse*. Tehran: Tisa Publications. [in Persian]
- Gatezadeh, Abdolamir, and Hussein Eskandari. 2017. Test Causal model of depression on lifestyle through the mediation by social health and quality of life in adults in Ahvaz 8 (30): 123-140.
- Gharehbaglou, Minou, and Ghasem Motalebi, and, Saman Saba. 2018. Recognizing of the Concept of Value in Human-Environment Relations Environment in Open Spaces for Traditional Iranian Residential Buildings. *Journal of university of Tehran, university college of Fine Arts* 24 (1): 101-114.
- Gharehbaglou, Minou, and Solmaz Roohifar. 2018. The history of public mentalities as an influential factor on the quality of housing. *Journal of university of Tehran, university college of Fine Arts* 23 (1): 67-80.
- Gholizadeh, Azar, and Azam Saboktakin Rizi. 2016. Islamic Life Style and its Relationship with Consumerism (A Case Study of Isfahani Citizens). *Journal of The Women and Family Cultural Education* (35): 81-100.
- Grenfell, Michael. 2019. "Pierre Bourdieu: Key concepts". translated by Mehdi Labibi. Tehran: Afkar Publishers.
- Hall, Stuart. 2012. *Cultural Representations and Signifying Practices*. Translated by Ahmad Golmohammadi. Tehran: Ney Publishers. [in Persian]
- Hinick, Natalie. 2005. *Sociology of Art*. translated by Abdolhossein Nik Gohar. Tehran: Agah Publications.
- Jabaran, Mohammad Reza. 2015. Conceptual Analysis of Lifestyle. *Qabasat Scientific Research Quarterly* 20 (75), 173-187. [in Persian]
- Kafi, Majid. 2011. Culture and Education in Imam Khomeini's Thought. *Journal of Applied Issues of Islamic Education* (5) 187-204. [in Persian]
- Kaviani, Mohammad. 2012. *Islamic Life style and Its Measuring Tools*. Tehran: Hozeh and University Research Institute. [in Persian]
- Mahdavi Kani, Mohammad Saeed. 2008. The Concept of Lifestyle and its Scope in Social Sciences. *Iranian Journal of Cultural Research* (1): 199-230. [in Persian]
- Malafouris, Lambros. 2014. *How Things Shape the Mind; A Theory of material Engagement (an archaeological and anthropological introduction to the cognitive understanding of art and design)*. translated by Vahid Asgharpour, Tabriz: Publications of the Tabriz University of Islamic Art. [in Persian]
- Moazemi, Manochehr, and Eesa Hojjat. 2017. Origins of cultural Gap and perplexities in contemporary Iranian architecture. *Armanshahr Architecture. Urban Design and Urban Planning* (21): 103-112.
- Mohammadpour, Ahmad. 2011. *Qualitative Research Method of Anti-Method 1-logic and Design in Qualitative Methodology*. Tehran: Sociologists Publications.
- Morteza, Hisham. 2008. *Traditional Principles of Construction in Islam*. Translated by Abolfazl Meshkini and Kiomars Habibi. Tehran: Urban Planning and Architecture Studies and Research Center. [in Persian]
- Mosleh, Ali Asghar. 2014. *Allameh Tabatabai's "Edrakate Eetebari" and Philosophy of Culture*. Tehran: Ruezgare No publication.
- Motahari, Morteza. 1994. *Man in the Quran*, Qom: Sadra Publications. [in Persian]
- Mottaghi, Zohreh, and Reza Ali Nowrozi. 2013. Educational Strategy of Aesthetic Experience Based on the Epistemological Thoughts of Professor Jafari, *Contemporary Wisdom. Institute of Humanities and Cultural Studies* 5 (1): 87-107. [in Persian]
- Nari Ghomi, Masoud. 2014. *Socio-cultural Meaning of Kitchen in Religious Context of Iran (case study: City of Qom)*.

- International Journal of Architecture and Urban Development 5 (3): 145-171.
- Niazi, Mohsen. 2011. The Relationship Between Lifestyle and Amount of National Identity a Case study on Kashan, 1389. Cultural Studies and Communication (24): 129-158.
- Pirbabaee, Hamze, and Minou GharehBaglou, and Mohammad Ali KayNejad. 2020. Explaining the Mechanism of the Effect of Culture on Understanding the Creativity of the Architectural Work with the Theory of Etebariat. The Culture of Islamic Architecture and Urbanism 5(2): 107-123.
- Pirbabaee, MohammadTaghi and Hamed Beyti, and Atefeh Sedaghati. 2019. The Concept of Value in Housing Planning: A Comparative Study of Hedonic Housing Model with Value Regards of Allameh Tabatabai. Journal of Social Theories of Muslim Thinkers (17): 303-329.
- Salehi, Atefeh. 2011. Principles of Contemporary Iranian Housing Based on Islamic Rulings. Master Thesis. The Tabriz Islamic Art University. [in Persian]
- Samin Sharifi Miyaveghi, Ebrahim, and Masoumeh Yaghoubi Sangharchi, and Masoud Haghlesan. 2020. The Assessment of the Value Components of Contemporary Housing Architecture based on the Epistemic System of Islam (Case Study: Urmia Contemporary Houses). Qabasat Scientific Research Quarterly 20 (75), 173-187.
- Seidi, Frank, and Mohammad Rahim Byrqi. 2012. A Comparative Study of Social Relationships between Religious Lifestyle and Modern Lifestyle with an emphasis on Iranian Society. Journal of Religious Research (25): 19-34. [in Persian]
- Shamaei Kopai, Milad, and Mohammadreza Esmaeili Givi. 2014. A Paradigm Model of Jihadi Management Using Data Theory. Public Management Perspectives 5 (19): 119-150 [in Persian]
- Shasti, Shima, and Mohammad Mansoor Flamaki. 2014. Relation between Iranian lifestyle and Housing Form (Based on the "short-term society" and "Geostrategic and Geo Political Theory of Iranian society" theories). Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities 6 (3): 117-137.
- Soroush, Abdolkarim. 2014. Descriptions of Pious, description of the sermon of Imam Ali (as) about the pious. Tehran: Sarat Publications. [in Persian]
- Strauss, Anselm, and Juliet M. Corbin. 1998. Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (3rd edition): SAGE Publications.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein. Man from Beginning to End. Translated by Sadegh Larijani. 2008. Qom: Boostan ketab Publications. [in Persian]
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein. 1983. Principles of philosophy and methodology of Realism. Tehran: Public Offset Company. [in Persian]
- Taslimi, Mohammad Saeed, and Khalil Noruzi, and Mohammad Abdolhosseinzadeh, and Mojtaba Javadi. 2016. Paradigm Model of Large Institutions Mediating Science and Technology of the Country (Case study: Vice President for Science and Technology of the 10th legislature). Journal of Strategy 25 (79): 5-28. [in Persian]